

اثربخشی مداخله مبتنی بر امید شغلی بر افزایش امید شغلی در افراد وابسته به مواد در حال بهبودی*

زهرالسادات قاضی عسگر^۱، یاسر رضاپور میر صالح^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۶

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف تعیین اثربخشی مداخله مبتنی بر امید شغلی بر افزایش امید شغلی افراد وابسته به مواد در حال بهبودی انجام شد. **روش:** پژوهش حاضر نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون-پس آزمون و پیگیری با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل تمامی افراد وابسته به مواد در حال بهبودی انجمن معتادان گمنام شهرستان خمینی شهر در سال ۱۴۰۰ بود. از این بین، ۱۴ نفر به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۷ نفر) و کنترل (۷ نفر) قرار گرفتند. شرکت کنندگان هر دو گروه پرسشنامه امید شغلی را در پیش آزمون و پس آزمون تکمیل کردند. مداخله مبتنی بر امید شغلی در ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای با فراوانی دو جلسه در هفته بر روی گروه آزمایش اجرا شد. داده‌ها با روش تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر تحلیل شدند. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که در مقایسه با گروه کنترل، میانگین امید شغلی و ابعاد آن در گروه آزمایش افزایش معنی داری پیدا کرد و این افزایش در مرحله پیگیری نیز حفظ شد. **نتیجه گیری:** با استفاده از آموزش مهارت‌های ارتباطی مؤثر در مسیر شغلی، ایجاد نگرش مثبت نسبت به خود و تقویت خودپنداره مثبت، تقویت آموزه‌های مذهبی و اخلاقی، حمایت‌های مالی و عاطفی، و استفاده از تجارب بهبودیافتگان موفق می‌توان امید شغلی در افراد وابسته به مواد در حال بهبودی را افزایش داد.

کلیدواژه‌ها: اعتیاد، امید شغلی، مسیر شغلی

*. مقاله حاضر بر گرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول در دانشگاه اردکان است.

۱. کارشناس ارشد، گروه مشاوره، دانشگاه اردکان، یزد، ایران.

۲. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه مشاوره، دانشگاه اردکان، یزد، ایران. پست الکترونیک: y.rezapour@ardadakan.ac.ir

مقدمه

اعتیاد آسیبی اجتماعی و فاجعه‌ای عظیم است که ویرانه‌های ناشی از آن زمینه‌ساز سقوط بسیاری از ارزش‌ها، باورها، هنجارهای اخلاقی و اجتماعی است. یک بیماری مزمن و در عین حال عودکننده که ساختار و عملکرد مغز را تغییر می‌دهد (هدر^۱ و همکاران، ۲۰۱۸). رویکردهای زیستی از جمله مدل‌های پاداش محور اولیه نیز با تاکید بر جنبه‌های لذت بخش مواد اظهار می‌کنند که شخص با مصرف مواد در واقع به نیاز مدارهای مغزی پاسخ مثبت می‌دهد تا پاداش خود را که آرامش موقت سیستم عصبی و کاهش تنش است، دریافت کند (بجورک و پاردینی^۲، ۲۰۱۵). تئوری انگیزش محور، مصرف مواد مخدر را به پرازیتی در مسیر انگیزشی توصیف کرده که با اختلال در این مسیر سبب می‌شود شخص مصرف مواد را بر هر رفتار دیگری ترجیح دهد (چمبرز، بیکل و پوتنزا^۳، ۲۰۰۷). به دنبال افزایش ترشح دوپامین در مغز که شبیه به یک سیگنال پاداش عمل می‌کند این رجحان رفتاری تقویت می‌شود (پیکارد و احمد^۴، ۲۰۱۸). با تقویت این رفتار و ایجاد وابستگی شدید یک الگوی رفتاری منظم شکل می‌گیرد، آنچه در اصطلاح عادت نامیده شده و تبدیل به نقطه محوری زندگی فرد می‌شود (وست و براون^۵، ۲۰۱۳). همراه با افزایش دوپامین توانایی کنترل فرد بر رفتارش کاهش می‌یابد، تفکر در سلطه اعتیاد قرار گرفته و تأثیر آن بر تمامی فعالیت‌های اجتماعی، شغلی و تفریحی کاملاً مشهود خواهد بود. فرد به مواد وابسته شده و این وابستگی جسمی و روانی همان از دست دادن کنترل و فقدان خودکارآمدی است که به دنبال آن فرد درمانده، غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل اعتماد به‌نظر می‌رسد (کلارک^۶، ۲۰۱۱). ملایی و جعفری (۱۴۰۰) در پژوهشی پیرامون آسیب‌های اعتیاد آن را بارزترین آسیب روانی می‌دانند که نه تنها زندگی فرد بلکه خانواده، اجتماع و فرهنگ یک کشور را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد و سرمایه‌های مادی و معنوی را به راحتی تباه می‌کند.

1. Heather
2. Bjork & Pardini
3. Chambers, Bickel & Potenza

4. Pickard & Ahmad
5. West & Brown
6. Clark

اعتیاد یک ناهنجاری و اختلال با نشانه‌های بالینی، رفتاری و شناختی است. انزوا و شرم، پیامد اصلی این اختلال است (ویتکیویتز و مارلات^۱، ۲۰۰۴). اختلالی که نرخ بهبودی کامل آن بسیار پایین بوده و هر زمان امکان عود مجدد وجود دارد (برادی، ایواموتو، گریول، کایا و کلینتون^۲، ۲۰۱۶). شاید اولین تجربه مصرف به انتخاب خود فرد باشد، اما وابستگی فرد را تدریجاً به ورطه نابودی کشانده که رهایی از آن بسیار دشوار است. لازمه‌ رهایی از منجلاب اعتیاد ساختن سبک زندگی جدید است؛ اما انجام چنین کاری بسیار دشوار است؛ زیرا نگرش فرد نسبت به خود و حتی نگرش جامعه و خانواده به او تغییر کرده است. با وجود اینکه چهره اعتیاد منفور و تاریک است و از آن به عنوان یک استثمار مادام‌العمر یاد شده، لیکن نتایج اغلب پژوهش‌ها در این زمینه از درمان‌های موفق‌تری پرده برداشته که نقطه مرکزی بسیاری از آنها داشتن یک شغل است.

شغل یک سازه چندبعدی است که در ظاهر، درآمد و رفاه مشخصه آن قلمداد می‌شود و لیکن رشد مشخصه‌هایی چون استقلال شخصیتی، عزت نفس، شرافت انسانی و اعتماد به نفس آن را ارزشمند می‌کند (رودریگز، گاست و بادجانوفکانین^۳، ۲۰۱۳). شیخ الاسلامی و محمدی (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای به نقش و اهمیت شغل در درمان بهبودیافتگان پرداخته و به این نتیجه رسیدند که اشتغال فقط عاملی بازدارنده برای بازگشت مجدد به دنیای اعتیاد نیست بلکه می‌تواند یک انگیزه قوی برای ترک مواد مخدر باشد. یافته‌های این پژوهش توانمندسازی این افراد در جامعه را زمینه‌ساز امید، اعتماد به نفس بالا و باور به توانمندی خویش می‌داند.

گرچه اشتغال را حلقه گمشده از زنجیره درمان اعتیاد می‌دانند، لیکن مسیر شغلی فرد مصرف کننده مواد در طول دوره مصرف دستخوش تغییرات زیادی شده است. اثرات جسمی زمان مصرف مواد و از سویی دیگر باور فرد نسبت به توانایی‌ها و مهارت‌هایش، قرار گرفتن در مسیر شغلی را نسبت به گذشته سخت‌تر کرده است؛ زیرا همانگونه که در فرض‌های زیربنایی نظریه سازه‌مندی ساویکاس^۴ (۲۰۰۲) به آن اشاره شده، مسیر شغلی

افراد با تجربیات شخصی و شیوه نگرش آنها ساخته می‌شود. تجارب و نگرشی که نشأت گرفته از خاطرات گذشته هستند و به تجارب فعلی و آرزوهای آینده معنا می‌دهند (به نقل از سمیعی، باغبان، عابدی و حسینیان، ۱۳۹۴). مدل عملکرد در تئوری شغلی شناختی-اجتماعی نیز بیانگر آن است که عملکرد فرد در گذشته بر باورها و نتایج انتظار از آینده به طور مستقیم تاثیر گذار است (لنت و براون^۱، ۲۰۱۷).

چنان که برمی‌آید، فرد علاوه بر داشتن اهداف کوتاه مدت و بلندمدت نیازمند داشتن باور به توانایی‌های خویش برای طی کردن مسیر شغلی و از همه مهم تر انگیزه‌ای بالا در پیگیری اهداف و مقابله با موانع شغلی است (عابدی، مصطفوی، شفیع آبادی، نیلفروشان و عیسی مراد رودبند، ۱۳۹۵). انگیزه‌ای که معتادان در حال بهبودی برای ادامه راه و ساختن دوباره به آن نیازمندند. این انگیزه که در رویکرد سازه گرایی به عنوان یکی از ابعاد انطباق پذیری مسیر شغلی در نظر گرفته شده در این مطالعه با عنوان تخصصی "امید شغلی"^۲ بررسی می‌شود. در تعریفی خاص تر از تعریف کلی امید، امید شغلی یک جنبه از خود کفایی است که فرآیند توانمندسازی جویندگان کار را با وجود محرومیت‌ها و محدودیت‌ها نشان می‌دهد. در واقع برای ارزیابی سطح خود کفایی و روان شناختی یک فرد، معیاری مکمل دیگر معیارهای سنجش است (هونگ، چوی و پولانین^۳، ۲۰۱۴). امید شغلی را می‌توان نوعی جهت گیری مثبت نسبت به آینده تعریف کرد که فرد را در رسیدن به هدف با تمرکز بر مسیرها، ایجاد انگیزه برای دستیابی به اهداف مطلوب و خوش بینی برای نتایج مثبت آینده تحریک می‌کند (عبدی زرین، شریفیانا و اکبرزاده، ۱۳۹۸). در پژوهشی که استیونسون، میلنر، ساتگونام و لاو^۴ (۲۰۲۱) در جامعه مبتلایان به بیماری‌های روانی جدی انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که امید به کار سازه مهمی برای سازگاری شغلی و حتی جستجوی شغلی در آنها بود. امید به شغل از نگاه آنان انطباق پذیری در مسیر شغلی را افزایش می‌دهد. کیم^۵ (۲۰۱۸) که در یک مطالعه به بررسی رابطه امید به کار،

1. Lent & Brown
2. Work hope
3. Hong, Choi & polanin

4. Stevenson, Millner, satgunam & love
5. Kim

نگرش شغلی و خود کارآمدی در تصمیم گیری شغلی دانشجویان پرداخته گزارش کرد امید شغلی نیرویی بسیار کمک کننده و قدرتمند در رسیدن افراد به خود شکوفایی است. در واقع امید در مرکز یک مدل رشد مسیر شغلی قرار گرفته و متضمن تفکر هدفمند است، تفکری که به دنبال آن اعتقادی قوی تر برای طی کردن مسیر شغلی است (آتاناسیو، پایکسائو و داسیلوا، ۲۰۱۳). این سازه دارای مؤلفه هایی است که از جمله آنها می توان به خود کارآمدی، چشم انداز زمان و موقعیت اجتماعی ادراک شده اشاره کرد. از میان مؤلفه های امید شغلی هیچ مکانیسمی تأثیر گذارتر از خود کارآمدی نیست. خود کارآمدی همان باور فرد به توانایی های خویش است. باور فرد به اینکه بتواند اهدافی را برای آینده تعیین کرده و به سوی آنها گام بردارد. تا زمانی که او باور نکند با اقدامات خود می تواند اثرات مطلوب ایجاد کند و از عواقب ناخواسته جلوگیری کند، انگیزه ای برای استقامت در برابر مشکلات نخواهد داشت (لوک^۲، ۲۰۱۱). با توجه به توانایی های شخصی، امیدی که فرد را ملزم به تعیین هدف برای آینده و حرکت به سمت آن می کند، باور به کارایی شخصی است (لنت و براون، ۲۰۱۳). تقریباً در تمامی رویکردهای مسیر شغلی خود کارآمدی به عنوان یکی از فرض های زیربنایی آورده شده است. تئوری رشدی سوپر^۳ (۱۹۹۷) به شدت تحت تأثیر خویشتن پنداری است. او معتقد است شخص متناسب با تصورات و عقایدش، شغل انتخاب کرده و در این مسیر حرکت می کند. این پندار می تواند مثبت و امیدوارانه یا ناامیدانه و همراه با بدبینی باشد (به نقل از نایلز^۴، ۲۰۱۱). یافته های شفیع پور مطلق و ترابی نهاد (۱۳۹۷) نیز مبنی بر آن است که خود پنداره منفی با بی انگیزگی، ناامیدی و احساس بی هویتی همراه است.

چشم انداز زمان بعد دیگر امید شغلی، روایت گر سفر ذهنی فرد به گذشته و آینده است. در واقع این بعد توصیف کننده افکار و نگرش فرد به گذشته، حال و آینده است، بنابراین می توان آن را یک جهت گیری کاملاً شخصی دانست. این جهت گیری را زیملباردو و بوید^۵ در سال ۱۹۹۹ به شکل مدلی با پنج رویکرد ارائه دادند: چشم انداز زمانی

1. Atanasio, Paixao & Da Silva
2. Louke
3. Super

4. Niles
5. Zimbardo & Boyd

گذشته-منفی که نشان آن تفکر مداوم فرد در مورد اتفاقات ناگوار گذشته است، چشم‌انداز زمانی گذشته-مثبت که یادآوری گذشته همواره با لذت است، چشم‌انداز زمانی آینده و آینده متعالی که دستیابی به اهداف و برنامه‌ریزی مشخصه بارز آن است، چشم‌انداز زمانی حال-لذت‌گرا که تمرکز بر لذت و خوشی‌های آنی دارد و در آخر افرادی با چشم‌انداز زمانی حال-تقدیرگرا که عنان زندگی خویش را به دست تقدیر داده‌اند (زیمباردو و بوید، ۱۹۹۹؛ به نقل از عابدی و حق‌شناس، ۱۳۹۹).

در یک مطالعه آتاناسیو و همکاران (۲۰۱۳) تاثیر چشم‌انداز زمان در مسیر شغلی کارگرانی از یک طبقه اجتماعی-اقتصادی محروم را بررسی کردند و نشان دادند افرادی که چشم‌انداز زمانی آینده متعالی دارند با وجود وضعیت اقتصادی-اجتماعی پایین بهترین مسیر شغلی را انتخاب می‌کنند، آنها از کارشان لذت می‌برند، برنامه‌های بهتری برای حفظ شغل دارند و هنگام روبرویی با موانع آنقدر انگیزه‌ی بالایی دارند که این موانع نتواند از آنها سلب امتیاز کند.

سومین بعد امید شغلی موقعیت اجتماعی ادراک شده است که همانند دو بعد دیگر امید شغلی تحت تاثیر تصورات و نگرش فرد است. این متغیر به ادراک فرد از دستیابی به منابع اقتصادی، پرستیژ اجتماعی و قدرت اجتماعی اشاره دارد. در واقع موقعیت اجتماعی ادراک شده شامل میزان دستیابی شخص به فرصت‌های موجود در جامعه و نحوه‌ی ارزیابی فرد از این فرصت‌ها است (متنی و مکویترا، ۲۰۱۳). تامپسون و داهلینگ^۲ (۲۰۱۲) این موقعیت را به عنوان مقدمه‌ای از تجربیات یادگیری مرتبط با شغل، خودکارآمدی و انتظارات از نتیجه قرار می‌دهند. تئوری تعاملی گینگزبرگ^۳ (۱۹۵۱) انتخاب شغلی را نتیجه سازش بین انتظارات فرد، امکانات و نحوه‌ی نگرش به این دو می‌داند (سمیعی و همکاران، ۱۳۹۴). مدل انتخاب یا همان مدل رغبت در تئوری شغلی شناختی-اجتماعی نگرش فرد به متغیرهای محیطی، فرهنگی و اجتماعی را در کاهش یا افزایش خودکارآمدی و نتایج مورد انتظار مؤثر می‌داند (لنت و براون، ۲۰۱۷). مطالعه‌ای با عنوان امید به کار و اداره کار:

1. Metheny & Mcwhirter
2. Thompson & Dahling

3. Ginzbergs

کاوشی در مورد تأثیر وضعیت اقتصادی-اجتماعی توسط وینگیت^۱ (۲۰۲۰) انجام شد که نتایج این پژوهش همبستگی مثبت بین ارزیابی وضعیت اقتصادی-اجتماعی و میل به کار را تأیید کرد. نتایج همچنین ادراک مثبت از موقعیت اقتصادی-اجتماعی را پیش‌بینی‌کننده‌ی قوی در امید شغلی و نتایج مورد انتظار گزارش کرد.

در راستای آنچه بیان شد واضح است که اشتغال نقش مهمی در بهبودی وابستگان به مواد مخدر ایفا می‌کند ولیکن عملکرد نادرست گذشته و بی‌اعتمادی‌های برجامانده از دوران مصرف، ماندن در این مسیر را سخت کرده است. شاید به جرأت بتوان گفت موفقیت در مسیر شغلی بیش از آن که به مهارت و توانایی نیاز داشته باشد نیازمند انگیزه یا همان امید شغلی است. سازه‌ای سرشتی که بسیاری از مطالعات بر افزایش آن به سبب آموزش و مداخله تأکید کرده‌اند (عابدینی، قنبری هاشمی آبادی و طالبیان شریف، ۱۳۹۵). از جمله پژوهش‌هایی که موفق به افزایش امید شغلی در جامعه مورد نظر خود شده‌اند می‌توان به پژوهش صالحی و جعفری (۱۴۰۰) اشاره کرد. یک مداخله شناخت محور جهت افزایش امید شغلی در دانشجویان دانشگاه شهر کرد که نتایج آن نشان داد مداخله توانسته به میزان چشمگیری امید به آینده‌ی شغلی دانشجویان را افزایش دهد، علاوه بر آن افرادی که امید شغلی پایین و تردید نسبت به آینده شغلی خود داشتند پس از مداخله توانستند اهدافی را در مسیر شغلی آینده خود تعیین کنند و در پیگیری آن نیز مصمم‌تر بودند. در مطالعه‌ی دیگری قنبری، آریانپور و صالحی (۱۴۰۰) با استفاده از یک مشاوره راه‌حل محور سعی در افزایش میزان امید شغلی دانش‌آموزان داشتند. آنها گزارش کردند این مداخله باعث افزایش امید شغلی و تمامی مؤلفه‌های آن (اهداف، عاملیت و گذرگاه) شد. کربی^۲ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی به دنبال پاسخ به این سوال بودند که آیا می‌توان با آموزش، امید، بهزیستی و عوامل محافظتی را در نوجوانان دبیرستانی افزایش داد؟ آنها در یک برنامه ۱۲ هفته‌ای توانستند نمرات امید را در پس‌آزمون به میزان قابل توجهی افزایش دهند، در کنار آن تاب‌آوری و مهارت‌های مقابله‌ای در این نوجوانان نیز بهبود یافت. با نگاهی اجمالی به عناوین و جامعه‌ی مطالعات انجام شده در زمینه امید شغلی

به وضوح جای خالی پژوهش در زمینه امید شغلی معنادین در حال بهبودی به چشم می‌خورد. بنابراین پژوهش حاضر با در نظر گرفتن این مهم به دنبال پاسخگویی به این سوال بود که آیا می‌توان در جامعه افرادی که از کمترین سرمایه و حمایت مالی و عاطفی برخوردارند با آموزش، میزان امید به شغل را افزایش داد؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

در این پژوهش از طرح نیمه‌آزمایشی با پیش‌آزمون-پس‌آزمون و پیگیری با گروه گواه استفاده شد. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه مردان مصرف‌کننده مواد شرکت‌کننده در جلسات معنادان گمنام شهرستان خمینی‌شهر در سال ۱۴۰۰ تشکیل دادند. از این جامعه در ابتدا به روش نمونه‌گیری در دسترس چهار گروه که رضایت خود را برای شرکت در پژوهش اعلام کردند انتخاب شد، سپس پرسشنامه امید شغلی جانتون و وترستون^۱ (۲۰۰۶) به منظور سنجش میزان امید شغلی در بین آنها توزیع و اجرا شد. سپس ۱۴ نفر از افرادی که پایین‌ترین نمره را کسب کرده بودند به عنوان نمونه انتخاب شدند و به صورت تصادفی در ۲ گروه جای گرفتند (۷ نفر گروه کنترل، ۷ نفر گروه آزمایش). هرچند در پژوهش‌های آزمایشی و کارآزمایی بالینی، حداقل تعداد ۱۰ الی ۱۵ شرکت‌کننده در هر گروه به عنوان حجم نمونه مطلوب در نظر گرفته می‌شود، اما در مواردی که دسترسی به نمونه بالینی بسیار سخت است، می‌توان با ملاحظات از حداقل ۵ نمونه در هر گروه نیز استفاده کرد (سورش^۲، ۲۰۱۱). در این پژوهش نیز به دلیل دسترسی دشوار به افراد نمونه و همچنین مشغله زیاد مردان برای حضور منظم در جلسات مداخله‌ای، صرفاً ۷ نمونه در هر گروه برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند. ملاک‌های ورود عبارت بودند از: کسب نمره پایین‌تر از ۱۰۰ در پرسشنامه امید شغلی، داشتن حداقل سواد خواندن و نوشتن، تمایل به شرکت در جلسات آموزشی، قرار داشتن در مسیر بهبودی یا تمایل به ترک مواد مخدر. ملاک‌های خروج نیز عدم همکاری در انجام دادن تکالیف هر جلسه و نیز غیبت بیش از یک بار در جلسات آموزشی بود. با توجه به اینکه میانگین و انحراف معیار پرسشنامه امید

شغلی در نمونه ایرانی به ترتیب ۱۲۰ و ۲۰ به دست آمد (وحید دستجردی و نیلفروشان، ۱۳۹۴)، یک انحراف معیار پایین تر از میانگین یعنی نمرات ۱۰۰ به پایین به عنوان شاخصی برای داشتن امید شغلی پایین در این مطالعه تعیین شد. معمولاً ملاک تشخیص مشکلات بالینی ۲ انحراف تفاوت از میانگین است، اما در موارد سهل گیرانه تر می توان معیار ۱ انحراف معیار را نیز در نظر گرفت (مارکس، بومباردیئر، هوگ-جوہانسون و رایت، ۱۹۹۹). در نهایت به منظور تحلیل داده ها از تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر استفاده شد.

ابزار

۱- پرسشنامه امید شغلی: پرسشنامه امید شغلی توسط جانتون و وترستون (۲۰۰۶) ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۲۴ عبارت است که ۳ خرده مقیاس اهداف (گویه های ۲۴، ۲۳، ۲۰، ۱۸، ۱۳، ۷، ۴)، عاملیت (گویه های ۲۱، ۱۷، ۱۶، ۱۴، ۱۲، ۱۱، ۸، ۵، ۲) و مسیرهای شغلی (گویه های ۲۲، ۱۹، ۱۵، ۱۰، ۹، ۶، ۳، ۱) را در قالب سه بعد خودکارآمدی، چشم انداز زمان و موقعیت اجتماعی می سنجد. عبارت های مربوط به عاملیت به نوعی تمایل فرد برای دستیابی به اهداف را منعکس می کند و عبارات مربوط به مسیر شغلی نیز بیانگر راه های رسیدن به اهداف است. نمره گذاری پرسشنامه براساس طیف لیکرت ۷ درجه ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۷) صورت گرفته است. نمرات بالاتر از میانگین در این پرسشنامه نشان دهنده امید شغلی بیشتر در افراد است. کمترین نمره در این پرسشنامه ۲۴ و بالاترین نمره ۱۶۸ محاسبه شده است. در روایی و پایایی آزمون، جانتون و وترستون (۲۰۰۶) آلفای کرونباخ برای کل مقیاس را ۰/۹۰٪ و برای خرده مقیاس اهداف ۰/۸۱٪، عاملیت ۰/۸۷٪ و مسیرها ۰/۶۸٪ گزارش کرده اند. این مقیاس توسط وحید دستجردی و نیلفروشان (۱۳۹۴) در ایران ترجمه و اعتباریابی شده است. آنها از روش همسانی درونی به سبب پایایی مقیاس امید شغلی استفاده کردند. روایی هر سوال نیز از طریق همبستگی آن با نمره کل سنجیده شد که تمامی سوالات به جز یک سوال با نمره کل همبستگی معنی دار

داشتند. آنها پایایی مقیاس براساس آلفای کرونباخ را در کل مقیاس ۹۱٪ و در خرده مقیاس اهداف ۷۱٪، عاملیت ۸۱٪ و گذرگاه ۷۴٪ گزارش کردند (وحیددستجردی و نیلفروشان، ۱۳۹۴).

روش اجرا

از جامعه معتادان گمنام شهرستان خمینی شهر (توابع استان اصفهان) ۴ گروه انتخاب شد. اعضای این گروه‌ها داوطلبینی بودند که با تمایل خود برای ترک مواد مخدر و درخواست کمک از دیگر اعضای که بهبودی را تجربه کرده‌اند به این جلسات مراجعه می‌کنند. این افراد توسط اشخاصی که راهنما نام دارند به گروه‌های حداقل ۸ و حداکثر ۱۲ نفره تقسیم می‌شوند و به آنها خدمات ارائه می‌شود. سپس با هماهنگی گرداننده جلسات پرسشنامه امید شغلی در بین آنها توزیع و آزمون اجرا شد. افراد نمونه با در نظر گرفتن ملاک‌های ورود انتخاب شدند. در یک جلسه توضیحاتی نسبتاً کامل از پژوهش در اختیار شرکت کنندگان قرار گرفت و در نهایت از باب اصول اخلاقی (حفظ گمنامی و اصل رازداری) به آنها اطمینان داده شد. با در نظر گرفتن نمرات پیش آزمون ۱۴ نفر انتخاب و به صورت تصادفی به دو گروه تقسیم شدند. جلسات آموزشی برای گروه آزمایش اجرا شد و این در حالی بود که گروه کنترل هیچ آموزشی دریافت نکرد. محتوای جلسات آموزشی برگرفته از پژوهش کیفی قاضی‌عسگر (۱۴۰۰) بود. در این پژوهش به شکل کیفی ابتدا عوامل مؤثر بر امید شغلی در معتادان بهبود یافته استخراج شد و سپس با ترکیب ادبیات پژوهش در این زمینه، یک برنامه مداخله‌ای در ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای طراحی شد (قاضی‌عسگر، ۱۴۰۰). جلسات مداخله، ۲ بار در هفته اجرا شد. پس از پایان یافتن جلسات آموزشی، پرسشنامه مذکور تحت عنوان پس آزمون بین تمام افراد شرکت کننده توزیع و اجرا شد. دو ماه پس از پایان جلسات مداخله‌ای نیز به منظور پیگیری و حصول اطمینان از نتایج مداخله، پرسشنامه امید شغلی توسط شرکت کنندگان تکمیل شد. در ادامه خلاصه‌ای از محتوای جلسات آموزشی آورده شده است.

جدول ۱: جلسات آموزشی مبتنی بر مداخله امید شغلی (قاضی عسگر، ۱۴۰۰)

جلسه	عنوان جلسه	محتوای جلسه	هدف
اول	معارفه،	معارفه، بیان قوانین جلسات، معرفی و اهداف برنامه آموزشی،	آگاه سازی فرد از
	اهمیت	تعریف شغل، انواع شغل و ضرورت وجود آن در زندگی،	اهمیت و ضرورت
	اشتغال	پیامدهای بیکاری و اثرات آن بر جامعه، زندگی فردی و خانوادگی، درخواست نوشتن داستان شغلی ۱۰ سال گذشته به عنوان تکلیف جلسه آینده	داشتن شغل و اثرات آن در زندگی
دوم	امید در شغل	مروری بر مطالب جلسه گذشته، بیان داستان شغلی از زبان هریک از شرکت کنندگان، بررسی نگرش ها، باورها و انتظارات ۱۰ سال گذشته، پررنگ کردن نقاط ضعف و قوت افراد در داستان شغلی گذشته، تعریف امید و امید شغلی، بیان مؤلفه های امید (تمایل، برنامه، هدف)، اهمیت داشتن برنامه و هدف، نوشتن داشتن شغلی ۱۰ سال آینده به عنوان تکلیف جلسه بعد	آگاه سازی فرد از اهمیت داشتن برنامه، تعیین هدف و تأثیر انگیزه در دستیابی به اهداف
سوم	خودپنداره، خودگویی و اثرات آن در مسیر شغلی	مروری بر مطالب جلسات قبل، بیان داستان شغلی ۱۰ سال آینده، کمک به افراد در مشخص کردن انتظارات، اهداف، جایگاه و درآمد خود در داستان شغلی ۱۰ سال آینده، تعریف خودپنداره، خودگویی های مثبت و منفی و اثر آن بر تصمیم گیری های شغلی. در انتهای جلسه از شرکت کنندگان خواسته شد مشخص کنند برای رسیدن به جایگاه شغلی که در داستان شغلی ۱۰ سال آینده خود بیان کرده بودند به چه توانایی هایی نیاز دارند؟ چه موانع و مشکلاتی سر راه آنها است؟ چه راه هایی برای پشت سر گذاشتن آن لازم است؟ این درخواست به عنوان تکلیف جلسه بعد در نظر گرفته شد.	آگاه کردن فرد از اهمیت نگرش مثبت و منفی در انتخاب ها و تصمیمات آینده
چهارم	مهارت های ارتباطی	مروری بر مطالب جلسات قبل، بیان و بررسی موانع و مشکلات شغلی در داستان شغلی ۱۰ سال آینده، مشارکت شرکت کنندگان و ارائه راه حل ها و پیشنهاداتی جهت کمک به اعضا برای پشت سر گذاشتن موانع شغلی، تعریف مهارت های ارتباطی، انواع آن و جایگاه در مسیر شغلی،	آگاهی فرد از اهمیت مهارت های ارتباطی کسب و کار و اثرات مخرب نه گفتن به درخواست های نامعقول

جدول ۱: جلسات آموزشی مبتنی بر مداخله امید شغلی (قاضی عسگر، ۱۴۰۰)

جلسه	عنوان جلسه	محتوای جلسه	هدف
		درخواست نوشتن یک روز کامل از داستان شغلی ۱۰ سال آینده به عنوان تکلیف جلسه بعد	
پنجم	فضیلت‌های اخلاقی	مروری بر مطالب گذشته، تشریح یک روز شغلی در آینده از زبان اعضا با بیان دغدغه‌ها، انتظارات، ملاک و اهداف یک روز شغلی در آینده، تعریف فضیلت‌های اخلاقی همچون صبر و فروتنی و اهمیت آن در مسیر شغلی، بیان ویژگی‌های افراد موفق، درخواست نوشتن یک برنامه ۳ روزه در راستای رسیدن به جایگاه شغلی در ۱۰ سال آینده و انجام فعالیت‌هایی در راستای آن به عنوان تکلیف جلسه آینده	آشنایی با ویژگی‌های افراد موفق در مسیر شغلی و آگاه کردن افراد از تأثیر فضیلت‌های اخلاقی بر مسیر شغلی
ششم	مشورت، تجربه خطرپذیری	مروری بر مطالب گذشته، بررسی و بیان تکلیف و فعالیت‌های انجام شده در جهت رسیدن به اهداف شغلی ۱۰ سال آینده با پیشنهادات و انتقادات دیگر شرکت کنندگان، بیان اهمیت مشورت و اعتماد به دیگران در انتخاب‌های شغلی، ریسک همراه با بینش و ضرورت خطرپذیری در مسیر شغلی، درخواست نوشتن ۱۰ انتخاب خطرپذیر در مسیر شغلی به عنوان تکلیف جلسه آینده	آگاه کردن فرد از جایگاه مشورت با معتمدین در مسیر شغلی و جایگاه ریسک‌های آگاهانه در ارتقاء مسیر شغلی
هفتم	دریافت حمایت در مسیر شغلی	مروری بر مطالب گذشته، بیان ۱۰ انتخاب همراه با ریسک در مسیر شغلی و بررسی دلایلی که از نظر فرد آن انتخاب‌ها خطرپذیر هستند، مشارکت دیگر شرکت کنندگان و ارائه راهکارهایی در جهت اطمینان برای انتخاب‌هایی که افراد پرخطر تلقی می‌کردند، بحث در مورد ضرورت حمایت‌های بیرونی و اثر آن بر انگیزه‌های درونی در مسیر شغلی، دعوت از یک معنادهو یافته و موفق در مسیر شغلی و بیان داستان شغلی از زبان خودش، درخواست بازبینی در داستان شغلی با توجه به آنچه تاکنون آموزش داده و بحث شد.	بیان اثر حمایت‌های بیرونی در مسیر شغلی و انگیزه‌های درونی فرد

جدول ۱: جلسات آموزشی مبتنی بر مداخله امید شغلی (قاضی عسگر، ۱۴۰۰)

جلسه	عنوان جلسه	محتوای جلسه	هدف
هشتم	مذهب و موفقیت در مسیر شغلی	مروری بر مطالب گذشته، بررسی داستان بازبینی شده در مقایسه آن با داستان شغلی که قبل از آن نوشته شده بود، تعریف معنویت و ابعاد آن، بررسی تأثیر مذهب و اعتقاد به وجود یک نیروی برتر در موفقیت مسیر شغلی، جمع‌آوری مطالب گذشته، اجرای پس‌آزمون	آگاه کردن فرد از تأثیر باورهای مذهبی در موفقیت مسیر شغلی

یافته‌ها

میانگین و انحراف معیار سن شرکت‌کنندگان پژوهش در گروه آزمایش به ترتیب ۳۶/۱۴ و ۱۱/۵۹ و در گروه کنترل به ترتیب ۳۵/۴۳ و ۱۰/۲۸ بود. بین دو گروه از لحاظ سن تفاوت معنی‌داری وجود نداشت ($t_{(12)}=0/12$, $p=0/905$). میانگین و انحراف معیار مدت زمان مصرف در گروه آزمایش ۱۰/۸۶ و ۶/۵۷ و در گروه کنترل به ترتیب ۱۱/۱۴ و ۶/۶۹ بود. بین دو گروه از لحاظ میانگین مدت زمان مصرف تفاوت معنی‌داری وجود نداشت ($t_{(12)}=-0/08$, $p=0/937$). از اعضای گروه آزمایش ۵ نفر (۷۱/۴ درصد) دارای تحصیلات سیکل ۲ و ۲ نفر (۲۸/۶ درصد) دارای تحصیلات دیپلم و از اعضای گروه کنترل نیز ۵ نفر (۷۱/۴ درصد) دارای تحصیلات سیکل ۲ و ۲ نفر (۲۸/۶ درصد) دارای تحصیلات دیپلم بودند. همچنین از اعضای گروه آزمایش ۵ نفر (۷۱/۴ درصد) متاهل و ۲ نفر (۲۸/۶ درصد) مجرد و از اعضای گروه کنترل ۳ نفر (۴۲/۹ درصد) متاهل و ۴ نفر (۵۷/۱ درصد) مجرد بوده‌اند. از اعضای گروه آزمایش نیز ۴ نفر (۵۷/۱ درصد) بیکار و ۳ نفر (۴۲/۹ درصد) دارای شغل آزاد و از اعضای گروه کنترل ۲ نفر (۲۸/۶ درصد) بیکار و ۵ نفر (۷۱/۴ درصد) دارای شغل آزاد بوده‌اند. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش به تفکیک دو گروه آزمایش و کنترل

متغیر	گروه	پیش آزمون	پس آزمون	پیکیری	انحراف معیار
اهداف	آزمایش	۲۵/۴۲	۶/۹۹	۳۲/۷۱	۵/۶۴
کنترل	کنترل	۲۷/۸۵	۳/۳۸	۲۶/۷۱	۳/۳۵
عاملیت	آزمایش	۳۱/۴۲	۸/۴۸	۴۱/۱۴	۴/۹۴
کنترل	کنترل	۳۲/۲۸	۷/۰۶	۳۴/۸۵	۵/۴۵
گذرگاه	آزمایش	۲۳/۵۷	۶/۱۳	۳۴/۷۱	۸/۱۵
کنترل	کنترل	۲۴/۷۱	۶/۵۲	۲۶/۸۵	۵/۲۰
نمره کل	آزمایش	۸۰/۴۲	۱۸/۵۵	۱۰۸/۵۷	۱۶/۶۹
امید شغلی	کنترل	۸۴/۸۵	۱۳/۳۰	۸۸/۴۲	۱۲/۵۲

مندرجات جدول ۲ نشان می‌دهد که بین دو گروه پژوهش در متغیرهای پژوهش در مرحله پیش‌آزمون تفاوت معناداری وجود ندارد اما در مرحله پس‌آزمون و پیگیری، میانگین گروه آزمایش در متغیرهای پژوهش تغییرات محسوسی داشته است. برای تجزیه نتایج اصلی از آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر استفاده شد. قبل از اجرای تحلیل، پیش‌فرض‌ها مورد بررسی قرار گرفتند. یکی از مفروضه‌های آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر، نرمال بودن توزیع داده‌هاست. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنف حاکی از آن بود که نمرات مقیاس‌های امید شغلی دارای توزیع نرمال بودند ($p > 0.05$). همچنین هیچ کدام از مقیاس‌های امید شغلی در آزمون لوین معنادار نبودند ($p > 0.05$)، لذا می‌توان گفت که همگنی واریانس‌ها برقرار بود. یکی دیگر از پیش‌فرض‌های تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر آزمون کرویت ماچلی است. با توجه به معنادار بودن کرویت ماچلی فرض یکسانی کوواریانس‌ها تأیید نشد ($P < 0.01$)، بنابراین از تصحیح گرین هوس-گیسر استفاده گردید. در تصحیح گرین هوس-گیسر درجه آزادی‌های تحلیل واریانس کمتر می‌شود تا نسبت F محافظه کارانه‌تر گردد. به طور کلی، با توجه به بررسی‌های انجام شده، مفروضات اساسی روش آماری پارامتریک تحلیل

واریانس با اندازه گیری مکرر رعایت شد. نتایج بررسی تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: نتایج تحلیل واریانس اندازه گیری مکرر در مورد تأثیر مداخله مبتنی بر امید شغلی در سه

مرحله اندازه گیری

متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	مجذورات
گروه × اهداف	۲۹۹/۹۰۵	۱/۳۴۶	۲۱۷/۶۲۹	۶/۷۱۵	۰/۰۱۴	۰/۳۵۹
گروه × عاملیت	۲۶۶/۴۷۶	۱/۲۰۹	۲۲۰/۴۹۳	۴/۴۹۴	۰/۰۴۶	۰/۲۷۲
گروه × گذرگاه	۳۰۴/۷۱۴	۱/۳۸۴	۲۲۰/۱۴۷	۷/۰۸۲	۰/۰۱۱	۰/۳۷۱
گروه × امید شغلی	۲۵۸۲/۳۳۳	۱/۱۳۲	۲۲۸۲/۰۸۹	۸/۰۱۸	۰/۰۱۲	۰/۴۰۱

همان گونه که در جدول ۳ مشاهده می شود، تعامل بین گروه و مراحل (پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری) در امید شغلی و مولفه های آن معنادار بوده ($P < ۰/۰۵$) و به این معنی می باشد که در طول سه مرحله آزمون، میان گروه گواه و آزمایش تفاوت وجود دارد. ضرایب اتای نیز نشان داد که ۴۰ درصد از تغییرات متغیر امید شغلی ناشی از مداخله مبتنی بر امید شغلی بوده است. به منظور مقایسه و بررسی تفاوت میانگین های پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری متغیر امید شغلی و مولفه های آن از آزمون تعقیبی بن فرونی استفاده شده است که نتایج در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون تعقیبی بن فرونی برای تعیین اثر مداخله به تفکیک مراحل آزمون

ابعاد	پیش آزمون-پس آزمون			پیش آزمون-پیگیری			پس آزمون-پیگیری		
	تفاوت	خطای	سطح	تفاوت	خطای	سطح	تفاوت	خطای	سطح
	میانگین	معیار	معناداری	میانگین	معیار	معناداری	میانگین	معیار	معناداری
اهداف	۳/۰۷۱	۰/۸۹۶	۰/۰۴۳	۳/۳۵۷	۱/۰۳۲	۰/۰۳۹	۰/۲۸۶	۰/۹۷۸	۰/۹۸۹
عاملیت	۶/۱۴۳	۱/۴۶۵	۰/۰۲۴	۷/۴۹۲	۲/۴۱۲	۰/۰۲۹	۱/۲۸۶	۰/۹۰۱	۰/۵۳۷
گذرگاه	۶/۶۴۳	۲/۰۹۰	۰/۰۲۴	۷/۴۲۹	۱/۹۵۰	۰/۰۰۷	۰/۷۸۶	۱/۰۲۴	۰/۹۹۹
نمره کل امید شغلی	۱۵/۸۵۷	۵/۸۰۸	۰/۰۵	۱۸/۲۱۴	۵/۶۹۴	۰/۰۲۳	۲/۳۵۷	۱/۶۳۹	۰/۵۶۷

نتایج آزمون بن فرونی نشان می‌دهد که تفاوت‌های میانگین در مرحله پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون و همچنین در مرحله پیگیری نسبت به پیش‌آزمون، در نمره کلی امید شغلی و خرده مقیاس‌های آن معنی‌دار بوده است ($p < 0/05$)، اما تفاوت نمرات در مرحله پیگیری نسبت به پس‌آزمون معنی‌دار نبوده است ($p > 0/05$). این یافته‌ها نشان می‌دهد که مداخله مبتنی بر امید شغلی بر افزایش امید شغلی شرکت‌کنندگان تأثیرگذار بوده است و این افزایش در مرحله پیگیری نیز پایدار مانده است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر تعیین اثربخشی مداخله امید شغلی بر امید شغلی معنادان گمنام بود. نتایج حاصل از یافته‌ها نشان داد بین گروه‌های آزمایشی و گواه از لحاظ امید شغلی و مؤلفه‌های آن تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر، مداخله امید شغلی با توجه به میانگین امید شغلی و مؤلفه‌های آن در گروه آزمایشی نسبت به میانگین گروه گواه، موجب افزایش معنی‌دار این متغیر در گروه آزمایشی شده است. با وجود آنکه پژوهش مستقیمی در رابطه با امید شغلی در جامعه معنادان انجام نشده بود که بتوان نتایج این مطالعه را با آن مقایسه کرد ولیکن یافته‌های این پژوهش با مطالعات کیلن و آرپوتان^۱ (۲۰۱۸)، برناردو و استرلادو^۲ (۲۰۱۴)، آتاناسیو و همکاران (۲۰۱۳)، کنی، والش-بلایر، بلوستین، بمپچات و سلتزر^۳ (۲۰۱۰)، صالحی و جعفری (۱۴۰۰)، قنبری و همکاران (۱۴۰۰)، شیخ الاسلامی، قمری کیوی و رمضانی (۱۳۹۵) و با بخشی از یافته‌های بیانی (۱۳۹۶) که گزارش کرد امید به کار انگیزه فرد برای رسیدن به هدف را بالا برده و تلاش وی را دو چندان می‌کند، همسو بود. در یافته‌ی تمام این پژوهش‌ها به این نکته اشاره شده که با تکنیک‌های متعدد می‌توان میزان امید به اشتغال در جوامع مختلف را افزایش داد.

از آنجا که امید شغلی پایین به نارضایتی، ترک شغل و احساس پوچی منجر می‌شود (رضوی، برومند و عظیمی لارستانی، ۱۳۹۹)، تقویت این شاخص می‌تواند نقشی انکارناپذیر در مهارت‌ها و دستیابی به نتایج موفقیت‌آمیز مسیر شغلی و سازگاری شغلی ایفا

کند. پژوهش حاجی محمدرضایی، ضرغام حاجبی و شفیع آبادی (۱۴۰۰) نیز مؤید این گفتار است. این پژوهش یک مداخله‌ی مبتنی بر امید شغلی بود که نشان داد امید شغلی سبب می‌شود فرد در محیط‌های جدید عملکرد بهتری داشته باشد، به عبارت دیگر انطباق‌پذیری فرد در مسیر شغلی افزایش پیدا می‌کند. آنها این سازگاری را در ابعاد انطباق‌پذیری (دغدغه، کنترل، کنجکاوی، اعتماد) نیز گزارش کردند. در ابتدا به منظور آموزش امید شغلی پس از معارفه، بیان قوانین و هدف جلسات به اهمیت و ضرورت شغل در زندگی انسان و بررسی ابعاد آن پرداخته شد. به طور کلی شغل در هر جامعه‌ای چنان اهمیت دارد که آن را نقطه‌ی برجسته در زندگی فرد می‌دانند و به نوعی مسیر شغلی را مسیر زندگی نامیده‌اند (سمیعی و همکاران، ۱۳۹۴). فرآیندی مادام‌العمر که بر سبک زندگی، نقش‌ها، ارزش‌ها و حتی پردازش اطلاعات فرد درباره‌ی خود تأثیر می‌گذارد (گاتی^۱، ۲۰۱۳). مطالعه‌ی شارما، یوخی منکو-لسکروآرت و اسکارتون^۲ (۲۰۲۱) که در برگیرنده یک مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته با دانشجویان در رابطه با اهمیت شغل بود، نشان داد یک شغل، داشتن هدف در زندگی افراد را ضمانت می‌کند، سبب آگاهی، بیداری و منجر به رشد در تمام زمینه‌ها می‌شود. به علاوه آنان باور داشتند همان‌گونه که داشتن هدف، جزئی حیاتی برای شغل است، داشتن یک شغل نیز جزئی حیاتی برای سلامت روان است. شغل که بسیاری بر آن باورند جنبه‌ی مالی تنها مشخصه‌ی ظاهری آن است و در دل خود استقلال شخصیتی، عزت نفس، شرافت انسانی و اعتماد به نفس را جای داده، برای فرد معتاد حضوری پررنگ است در جامعه‌ای که از آن طرد شده و جایگاه خود را در آن از دست داده است؛ پس لازم بود در ابتدا به اهمیت شغل در جامعه‌ی معتادان در حال بهبودی پرداخته شود. در مطالب پیشین به خصوصیات بارز شغل که همان داشتن اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت است اشاره شد. واضح است که هدف، ذات و شاکله‌ی شغل را تشکیل می‌دهد. رویکرد سازه‌مندی متذکر شده است که افراد باید مسیر شغلی خود را با برنامه و هدف مدیریت کنند. فردی که دغدغه مسیر شغلی و جهت‌گیری نسبت به آینده دارد باید با طرح

و برنامه در رسیدن به اهداف همت گمارد (ساویکاس، ۲۰۱۲). سوپر (۱۹۷۲) نیز در نظریه گستره‌ی زندگی اشاره کرده که فرد باید بر اساس آگاهی از منابع، روابط، رغبت‌ها و ارزش‌ها هدف برگزیند و در راستای این هدفمندی اشتغالاتی که برایش اولویت دارد را طرح‌ریزی کند (استرنر^۱، ۲۰۱۲). پژوهش سپهوند، سگلی و اکبری پشم (۱۳۹۸) و راجرز، کراید و گلندن^۲ (۲۰۰۸) نیز لزوم برنامه‌ریزی و هدفمندی در مسیر موفقیت را گوشزد می‌کند. گرچه لازمه موفقیت در مسیر شغلی، داشتن هدف و برنامه‌ای منظم است ولیکن آنچه که مسیر دستیابی به این هدف را با وجود موانع و سختی‌ها هموار می‌کند، باور به توانمندی‌های خویش است که به عنوان اساسی‌ترین مؤلفه امید شغلی نیز شناخته شده است. در نظریه خودهماهنگی کورمن^۳ (۱۹۷۷) خودارزیابی مثبت و منفی فرد، معیار تعیین‌کننده در عملکرد معرفی شده است. آنچه در این رویکرد سبب شکست‌ها و موفقیت‌های فرد می‌شود ارزیابی فرد از شایسته بودن یا نبودن خود است. در صورتی که شخص خود را لایق و توانا بداند، کوچکترین موفقیت‌ها موجبات خودپنداره مثبت و عزت‌نفس بالا را فراهم می‌کند و در این زمان فرد با انگیزه‌ی بیشتری به سمت اهداف خویش حرکت می‌کند. در چنین شرایطی شخص برای روبرویی با موانع به توسعه استراتژی‌های خود برای عملکرد بهتر می‌پردازد (لین، چن، اشفورد، لی و کیان^۴، ۲۰۱۸). در تئوری محدودیت و سازش گاتفردسون^۵ (۱۹۸۱) نیز خودپنداره عامل کلیدی انتخاب شغل عنوان شده است. به باور طرفداران این تئوری فرد مشاغلی را برمی‌گزیند که با تصویر ذهنی ساخته شده از خودش مطابقت داشته باشد (سمیعی و همکاران، ۱۳۹۴). در پژوهشی که رونی و سویچر^۶ (۲۰۲۱) در یک نمونه‌ی ۲۵۹ نفری از جامعه کارمندان مشاغل مختلف انجام دادند به این نتیجه رسیدند که خودپنداره مثبت دلیل ارتباط بهتر با جامعه، تعهد شغلی، استقلال، رضایت کلی از زندگی و رفتارهای نوع دوستانه است. شفییعی پورمطلق و ترابی نهاد (۱۳۹۷) نیز در جامعه دانش‌آموزان دوره متوسطه اثرات

1. Sterner
2. Rogers, Creed & Glendon
3. Corman

4. Lin, Chen, Ashford, Lee & Qian
5. Gottfredsons
6. Roney & Soicher

خودپنداره منفی را بررسی کردند. نتایج این مطالعه نشان داد بی‌انگیزگی، ناامیدی و احساس بی‌هویتی ثمره‌ی ارزیابی منفی فرد از خود است.

براساس آنچه که گنزالز-والرو، زوریتا-اورتگا، آباگو-جیمز و پوئرتاس-ملرو^۱ (۲۰۲۰) دریافتند برداشت منفی نسبت به خود و عدم اعتماد به نفس، مهم‌ترین عوامل در عملکرد شغلی پایین افراد هستند. پس می‌توان گفت نگرش مثبت نسبت به خود و حس مفید بودن همان نیروی برانگیزاننده فرد به سوی اهداف است. از آنجا که معتادان در ابتدا با شرایط جسمی و روحی شکننده، همچنین تجربیات ناموفق گذشته پا به مسیر شغلی گذاشته‌اند و نگاه جامعه و اطرافیان نیز این شرایط را تشدید می‌کند؛ بنابراین جلسه دوم به اهمیت خودگویی‌های مثبت و اثر ارزیابی‌های منفی از خود بر انتخاب‌های مسیر شغلی اختصاص یافت. در کنار مباحث نظری به شرکت‌کنندگان تکالیفی در این راستا داده شد که در جلسه بعد با مشارکت دیگر اعضا بررسی شد.

در ادامه اصلاح نگرش فرد نسبت به خود، موفقیت در مسیر شغلی نیازمند اصلاح ارتباطاتی است که دستخوش تغییرات زیادی در دوران مصرف شده است. فرد مصرف‌کننده مواد مخدر در گذشته خود به انزوایی کشیده شده که نهایت افراد مرتبط با او فروشندگان و مصرف‌کنندگان مواد مخدر بوده‌اند، اکنون در مسیر بهبودی این ارتباطات نیازمند بازبینی مجدد است. در پژوهشی هاشمی مقدم، ترکان و یوسفی (۱۳۹۹) در جامعه معتادین نداشتن مهارت‌هایی همچون مهارت نه گفتن را یکی از ضعف‌های مهارتی در افراد معتاد می‌دانند که یک عامل پیش‌بین برای رفتن افراد به سمت اعتیاد نیز هست. سريسawat^۲ (۲۰۱۵) در پژوهشی نشان داد افراد برای خدمات بهتر نیازمند بهبود مهارت‌های ارتباطی هستند. این یافته همچنین در پژوهش شهبازی، قاسم‌زاده و ابراهیمی (۱۴۰۰) گزارش شد. بنابراین معتادین در حال بهبودی باید به این اصل آگاه شوند که موفقیت در مسیر شغلی تا حدود زیادی مهارت‌های ارتباطی صحیح را می‌طلبد. بسیاری معتادان از برقراری ارتباط سالم و صحیح با دیگران ناتوانند که البته برای اشخاصی که

سال‌ها از جامعه کناره‌گیری کرده‌اند طبیعی است. معتادان خودمحور و بدبین دوران مصرف، اکنون در مسیر بهبودی در کنار حفظ هویت خویش باید بتوانند به دیگران اعتماد کنند و با فاصله گرفتن از خودمحوری در کنار استقلال خویش از نظرات دیگران نیز استفاده کنند. خوب گوش دادن، مدارا با دیگران، انعطاف‌پذیری و توانایی نه گفتن از جمله مهارت‌های ارتباطی هستند که به گفته سریساوات (۲۰۱۵) منجر به شرایط کاری بهتر شده و روند رسیدن به اهداف شغلی را تسریع می‌کند. یکی از مزایای اصلاح ارتباطات، ارتباط با افرادی است که مسیر شغلی را طی کرده و به موفقیت‌های چشمگیری رسیده‌اند. فرد معتاد که مسیر بهبودی را طی کرده، تمام تجارب معتاد در حال بهبودی را تجربه کرده و راه نرفته او را رفته است. چنین فردی می‌تواند بهترین الگو و به گفته خود معتادان راهبر و راهنمایان در این مسیر باشد. طبق نتایج پژوهش فرایلینگ، جانستون و هایس^۱ (۲۰۱۱) رفتار فرد از طریق مشاهده و هم‌نشینی با افرادی که تجربه بهبودی دارند، تغییر می‌کند. بنابراین با استناد به نظریه یادگیری اجتماعی آکرز و سلرز^۲ (۲۰۰۴) که در توجیه برای رفتار افراد از عبارت "پیوند افتراقی" به معنی یادگیری از طریق هم‌نشینی و ارتباط با دیگران استفاده کرده و معتقدند که مرم از طریق ارتباط با دیگران و الگو قرار دادن اشخاصی که با آنها در تعامل هستند رفتار خود را جهت می‌دهند، در یکی از جلسات آموزشی از فرد بهبود یافته‌ای که با کمترین سرمایه و حمایت مسیر شغلی را آغاز کرده بود، دعوت کردیم تا افراد در حال بهبودی داستان شغلی او را بشنوند تا با مشاهده موفقیت هایش، دنبال کردن زندگی او، استفاده از تجربه‌ها و مشورت با او به بینش و آگاهی رسیده و امیدوارانه‌تر مسیر شغلی را طی کنند. آنها نظاره‌گر فردی بودند که روزی درست در شرایط آنها بوده و توانسته بود به موفقیت‌های زیادی دست یابد، بنابراین باور می‌کنند که آنها هم می‌توانند. مشورت با چنین افرادی و استفاده از تجربه آنها تصمیم‌گیری را راحت‌تر خواهد کرد. پژوهش استیپانویک، استرنیگفیلد و ویتل^۳ (۲۰۱۷) نیز نشان داد استفاده از تجارب دیگران شانس موفقیت افراد در شغل و تحصیل را بالا برده و هدفمندی

در آنان را افزایش می‌دهد، همچنین باعث می‌شود افراد آمادگی بیشتری در روبرویی با موقعیت‌های چالش‌برانگیز مسیر شغلی کسب کنند. یکی دیگر از اثرات مشورت و حضور فرد موفق در جلسات آموزشی مطالعه حاضر، خطرپذیری شرکت‌کنندگان پژوهش در انتخاب‌های شغلی بود. خطرپذیری در مسیر شغلی با در نظر گرفتن تئوری سیستم خاکستری شغلی یک اقدام اشتباه نیست. در این نظریه گفته شده که استفاده از تجارب مشاوران، داشتن تخصص و دانش لازم در یک مسیر شغلی باعث می‌شود فرد از حوادث پیش‌بینی نشده زیادی در مسیر شغلی جلوگیری کند. در خطرپذیری آگاهانه فرد خطرات احتمالی را مشخص کرده، آنها را ارزیابی می‌کند و با استفاده از استراتژی‌های احتیاطی مناسب به پشتیبانی از اطلاعات کسب کرده، دست به انتخاب می‌زند (نواک، میروزیاک و بوتلفسکی^۱، ۲۰۲۰). بنابراین در یک جلسه از افراد خواسته شد ۱۰ انتخاب در مسیر شغلی خود در آینده را بنویسند که تا قبل از شرکت در آموزش آن را انتخاب‌های پرخطر دانسته و از انتخاب آن امتناع می‌کردند و در یک جلسه به بحث و بررسی دلایل پرخطر بودن آنها پرداخته شد. سپس با مشارکت دیگر اعضا و دو نفر از کسانی که راهنما بودند پیشنهاداتی به افراد ارائه شد. وقتی دوباره از افراد خواسته شد در صورت تمایل به اصلاح و بازبینی آن انتخاب‌ها بپردازند بسیاری از شرکت‌کنندگان به انتخاب‌هایی که ریسک می‌دانستند، دست زده بودند.

پس مشورت را می‌توان به نوعی یک حمایت بیرونی دانست. گذشته از اینکه گفته شد نقطه آغازین و اصلی در امید شغلی خودباوری فرد است و همه چیز از خود فرد آغاز می‌شود؛ با این وجود نمی‌توان منکر اثر حمایت‌های بیرونی شد که سرمایه‌های انگیزه درونی فرد هستند. فرد در دوران اعتیاد آسیب‌های بی‌شمار جسمی، روحی و اجتماعی را تجربه کرده، سرخورده از جامعه و خانواده با رنجش‌های دوران مصرف اکنون در مسیر بهبودی خود آن را به همراه دارد. این فرد بیش از هر زمان دیگری نیاز به حمایت‌های عاطفی، اجتماعی و اقتصادی دارد (قدرتی و رحیمی چیتگر، ۱۴۰۰). آنها در ابتدای راه هستند و آغوش باز جامعه، خانواده و اطرافیان همان امید تازه است. شاید با قاطعیت بتوان

گفت یکی از بزرگ‌ترین مشکلات فرد معتاد تازه وارد در مسیر بهبودی همین عدم پذیرش از سوی اطرافیان است و اینجاست که علاوه بر دردهای دوران مصرف، او با کمبودهای عاطفی، مالی، احساسی روبرو می‌شود. قطعاً پذیرش فرد در حال بهبودی با سرمایه، امکانات و حمایت از سوی اطرافیان همراه است و این حمایت‌ها فرد در حال بهبودی را ترغیب به ماندن در شغل می‌کند و حتی به مسیر شغلی او جهت می‌دهد. در تئوری شناختی-اجتماعی، بندورا^۱ (۱۹۸۶) اشاره می‌کند متغیرهایی چون توانمندی‌ها، ارزش و رغبت‌های فرد به تأثیر از محیط اطراف می‌تواند نتایج شغلی متفاوتی با آنچه از فرد انتظار می‌رود را سبب شود (بهزادی و محمودی، ۱۳۹۷). در راستای آنچه گفته شده فرد بهبود یافته برای اثبات خود و از دست ندادن این حمایت تلاش بیشتری خواهد کرد و آنچه ناخودآگاه در این بین اتفاق می‌افتد، رشد و دستاوردهای مالی است که قاعدتاً به دنبال آن امید شغلی بیشتری حاصل می‌شود. دستاوردهای مالی توقعات فرد از خود را بیشتر می‌نماید و چشم‌انداز آینده را وسیع‌تر و روشن‌تر می‌کند.

درست است که داشتن شغل، هدف، برنامه، مشورت، هم‌نشینی با افراد موفق و دریافت حمایت‌های بیرونی بی‌شک به نتایج مثبت در مسیر شغلی ختم می‌شود اما رد پای معنویت در مسیر شغلی فرد را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. چه بسیار لغزش‌ها در مسیر بهبودی فرد و چه بسیار شکست‌ها در مسیر شغلی که می‌توانست او را ناامید کند اما باور به وجود و قدرت خداوند سبب شده فرد دوباره آغاز کند. با نگاهی به نظریه‌های معنویت به این مهم دست یافته می‌شود که معنویت کیفیت زندگی فرد را ارتقا می‌بخشد و سبب رشد در جنبه‌های مختلف زندگی می‌شود. در مدل بهزیستی معنوی، معنا، هدف، رشد و خودشکوفایی مؤلفه‌های اساسی معنویت تعریف شده است. در این تئوری معنویت باعث افزایش تاب‌آوری فیزیکی، خوش‌بینی روانی، ارتباط اجتماعی و هدف داشتن در زندگی می‌شود. در مدل‌های رشدی معنویت نیز معنای زندگی و باورهای مثبت به خداوند دارایی‌های درونی فرد هستند که بر رشد تأثیر می‌گذارند (شک و هو، ۲۰۱۶). پژوهش

رهم و آلسون^۱ (۲۰۰۹) در جامعه دانشجویان و بررسی معنویت در مسیر شغلی آنها نشان داد معنویت آمادگی در روبرویی با مشکلات را برای آنها افزایش داده است. همه دانشجویان این مطالعه اعتقاد به خداوند را یک قدرت بالا جهت انعطاف پذیری در مسیر شغلی می دانستند و معتقد بودند دعا عبور از مشکلات را آسان تر می کند. پژوهش جوادی، اوتق و قربانی (۱۴۰۰) در جامعه معتادین مراکز ترک اعتیاد بجنورد نشان داد در تغییر زندگی ناسالم معتادین نقش دین و مقید بودن به باورهای دینی غیر قابل انکار است. تقویت باورهای دینی از نظر آنها یکی از راهکارهای دوری از اعتیاد است. بی لحظه ای تأمل می توان گفت معنویت اثری انکارناپذیر بر افزایش امید شغلی افراد دارد. باور به یک نیروی برتر و مهربان که همه چیز در دست اوست ترس از نشدن ها را کمتر می کند، زیرا هیچ قدرتی با آن نیروی مهربان توان مقابله ندارد. معنویت و ایمان به خداوند تعهد کاری فرد را نیز بالا برده، سبب افزایش خود کارآمدی شده و به طبع عملکرد مضاعف را به همراه دارد (سانی و مهارانی اکواتی^۲، ۲۰۲۰). نیکدل، بختیارپور، نادری و احتشام زاده (۱۳۹۹) در پژوهشی با هدف مدلیابی رابطه بین دین داری و جو عاطفی خانواده با خود کارآمدی در زنان وابسته به مواد مخدر بودند گزارش کردند دین داری باعث کاهش فشارهای زندگی، کاهش تنش و افزایش خود کارآمدی می شود.

در یک جمع بندی کلی می توان گفت امید شغلی یک عامل مهم در دنبال کردن شغل و رسیدن به نتایج مطلوب شغلی است، مجموعه ای ساخته شده از باور به توانایی های فردی، چشم انداز فرد نسبت به آینده و در نظر گرفتن امکانات و حمایت های بیرونی (موقعیت اجتماعی) می باشد. نکته مهم تر اینکه امید شغلی سازه ای است که می توان با آموزش راهبردها و دادن تکالیفی میزان آن را در افراد یک جامعه افزایش داد. با در نظر گرفتن نتایج پژوهش حاضر و از آنجا که فرد معتاد در گام اول نیاز به حمایت از سوی نهادهای مختلف دارد پیشنهاد می شود کمک های مالی از سوی نهادهای حمایتی دولت با سود کم و دوره بازپرداخت طولانی مدت ارائه شود، این امر نه تنها امید به اشتغال را در افراد این جامعه افزایش می دهد در بسیاری موارد انگیزه ترک مواد مخدر را نیز در معتادان

بیشتر خواهد کرد. با توجه به آن که پژوهش حاضر در شهرستانی انجام شد که از شهرهای به نسبت مرفه و دارای فرصت‌های شغلی زیاد بود و از آنجا که موقعیت اجتماعی یکی از عوامل مؤثر بر امید شغلی است، پیشنهاد می‌شود چنین پژوهشی در مناطق محروم و قومیت‌های دیگر انجام شود. با توجه به اینکه نتایج بدست آمده نشان از تأثیر این مداخله بر افزایش امید شغلی در جامعه مردان معتاد در حال بهبودی داشت پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی تأثیر این مداخله بر زنان در حال بهبودی بررسی شود.

در نهایت این پژوهش نیز مانند هر پژوهش دیگری دارای محدودیت‌هایی بود بنابراین نتایج آن را نمی‌توان تعمیم داد. محدودیت در حجم نمونه و عدم اجرای مرحله پیگیری بلند مدت از جمله محدودیت‌های این پژوهش بود. تعداد حجم نمونه پایین، به دلیل دسترسی بسیار سخت به معتادان در حال بهبودی و خصوصاً مردان به جهت مشغله‌هایی بود که مانع از شرکت منظم آن‌ها در جلسات مداخله‌ای می‌شد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌هایی که از منابع مالی و فرصت زمانی بیشتری برخوردارند، این برنامه مداخله‌ای تکرار شود. از طرفی جامعه آماری این پژوهش معتادان در حال بهبودی شرکت‌کننده در جلسات معتادان گمنام بودند، بنابراین تعمیم یافته‌ها به گروه‌های دیگر جایز نیست.

منابع

- بهزادی، حسن و محمودی، حسن (۱۳۹۷). بررسی نقش یادگیری مشاهده‌ای بر وضعیت مطالعه دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه براساس نظریه شناختی اجتماعی بندورا. *کتابداری و اطلاع رسانی*، ۲۱(۱)، ۵۴-۲۵.
- بیانی، علی‌اصغر (۱۳۹۶). امید به کار، انگیزش تحصیلی و پیشرفت تحصیلی: واریس یک مدل علی در دانشجویان غیر شاغل. *نشریه پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی*، ۴(۱۶)، ۶۱-۷۰.
- جوادی، محمدحسین؛ اوتق، نازمحمد و قربانی، علیرضا (۱۴۰۰). تعیین مولفه‌های اجتماعی مؤثر بر افزایش اعتیاد در جامعه مورد مطالعه: شهر بجنورد. *فصلنامه اعتیاد پژوهی*، ۱۵(۶۲)، ۱۸۴-۱۶۷.
- حاجی محمدرضایی، مانا سادات؛ ضرغام جاجبی، مجید و شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۴۰۰). اثربخشی مشاوره مسیرشغلی مبتنی بر امید بر انطباق‌پذیری مسیرشغلی. *سلامت اجتماعی*، ۱(۹)، ۷۲-۶۴.

رضوی، سید محمد حسین؛ برومند، محمدرضا و عظیمی لارستانی، عادلہ (۱۳۹۹). بررسی وضعیت امید به اشتغال دانشجویان و دانش آموختگان رشته تحصیلی تربیت بدنی و علوم ورزشی. *مطالعات مدیریت ورزشی*، ۱۲(۶)، ۱۹۰-۱۷۱.

سپهوند، رضا؛ سگلی، زهرا و اکبری پشم، فاطمه (۱۳۹۷). تاثیر جهت گیری و برنامه ریزی مسیر شغلی متنوع بر اشتغال پذیری دانش آموختگان عالی. *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، ۲۴(۱)، ۷۱-۹۰.

سمیعی، فاطمه؛ باغبان، ایران؛ عابدی، محمدرضا و حسینیان، سیمین (۱۳۹۴). *نظریه های مشاوره مسیر شغلی (مسیر تکامل انتخاب شغل)*. اصفهان: جهاد دانشگاهی.

شفیعی پور مطلق، فرهاد و ترابی نهاد، منیره (۱۳۹۷). رابطه استرس تحصیلی، بی انگیزگی تحصیلی و خود پنداره منفی تحصیلی با احساس بی هویتی اجتماعی مبتنی بر واسطه گری ناامیدی تحصیلی. *آموزش و ارزشیابی*، ۱۱(۴۳)، ۴۵-۶۸.

شهبازی، رحیم؛ قاسم زاده، ابوالفضل و ابراهیمی، اعظم (۱۴۰۰). رابطه مهارت های ارتباطی کتابداران و کیفیت ارائه خدمات: نقش واسطه ای اخلاق حرفه ای. *پژوهش نامه کتابداری و اطلاع رسانی*، ۱۱(۱)، ۶۶-۸۳.

شیخ الاسلامی، علی و محمدی، نسیم (۱۳۹۵). نقش شغل در درمان بهبود یافتگان از اعتیاد. *فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد*، ۳(۱۲)، ۱۲-۳۸.

شیخ الاسلامی، علی؛ قمری کیوی، حسین و رمضانی، شکوفه (۱۳۹۵). اثربخشی امید درمانی بر شادکامی مردان ناتوان جسمی - حرکتی. *پژوهش های مشاوره*، ۱۵(۵۸)، ۹۶-۱۱۲.

صالحی، رضوان و جعفری، مریم (۱۴۰۰). امید به آینده شغلی: یک مداخله شناخت محور. *پژوهش های کاربردی در مشاوره*، ۴(۱۲)، ۴۳-۶۸.

عابدی، محمدرضا و حق شناس، لیلا (۱۳۹۹). *سنجش در مشاوره شغلی*. اصفهان: سمت.

عابدی، محمدرضا؛ مصطفوی، محمد؛ شفیع آبادی، عبدالله؛ نیلفروشان، پریسا و عیسی مراد رودبند، ابوالقاسم (۱۳۹۵). امید اشتغال در چشم انداز زمان. *فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی*، ۸(۲۶)، ۱۰۳-۸۵.

عابدینی، الهه؛ قنبری هاشمی آبادی، بهرامعلی و طالبیان شریف، جعفر (۱۳۹۵). اثربخشی گروه درمانی مبتنی بر رویکرد امید بر امید و افسردگی زنان مبتلا به بیماری ام. اس. *مجله روانشناسی بالینی*، ۸(۲)، ۱-۱۱.

عبدی زرین، سهراب؛ شریفیانا، سعیده و اکبرزاده، مهدی (۱۳۹۸). رشد مسیر شغلی مبتنی بر امید بر اساس اهمال کاری تحصیلی انگیزش شغلی تحصیلی. فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی، ۱۱(۴)، ۱۱۵-۱۳۶.

قاضی عسگر، زهرا السادات (۱۴۰۰). بررسی کیفی عوامل موثر بر امید شغلی در معنادان بهبود یافته: ارائه یک الگوی مد/خله/ای. پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد، دانشگاه اردکان.
قدرتی، شفیعه و رحیمی چیتگر، حمید (۱۴۰۰). مطالعه کیفی تجربه‌ی زیسته‌ی افراد شرکت کننده در انجمن معنادان گمنام از کارکردهای انجمن در ترک اعتیاد. فصلنامه اعتیاد پژوهی، ۱۵(۶۲)، ۲۸۹-۳۲۲.

قنبری، نرگس؛ آریانپور، حمیدرضا و صالحی، رضوان (۱۴۰۰). بررسی تأثیر مشاوره گروهی راه حل محور بر امید شغلی دانش آموزان. پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری، ۱(۱۸)، ۱۲۷-۱۴۳.
ملایی، شیدا و جعفری، سید عبدالرضا (۱۴۰۰). آسیب اعتیاد به مواد مخدر. مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۷۳(۷)، ۲۹۸-۲۹۱.

نیکدل، مهدی؛ بختیارپور، سعید؛ نادری، فرح و احتشامزاده، پروین (۱۳۹۹). مدل‌بایی رابطه بین دین‌داری و جو عاطفی خانواده با خودکارآمدی ترک اعتیاد با توجه به نقش میانجی معنای زندگی در زنان وابسته به مواد مخدر. فصلنامه اعتیاد پژوهی، ۱۴(۵۷)، ۲۳۶-۲۱۱.

وحید دستجردی، لیلا و نیلفروشان، پریرا (۱۳۹۴). امید شغلی، نقش عوامل شخصی، اجتماعی و حمایت خانواده. پژوهش‌نامه روانشناسی مثبت، ۱(۴)، ۱۵-۲۸.

هاشمی مقدم، لیلا؛ ترکان، هاجر و یوسفی، زهرا (۱۳۹۹). مطالعه کیفی عوامل محافظت کننده و مخاطره آمیز در اعتیاد در زنان و مردان شهر اصفهان. فصلنامه اعتیاد پژوهی، ۱۴(۵۵)، ۱۳۳-۱۵۰.

References

- Akers, R. L., & Sellers, C. S. (2004). *Criminological theories, Introduction, evaluation and application*. Los Angeles: Roxbury.
- Atanasio, P., Paixao, M. P., & Da Silva, J. T. (2013). *The influence of future time perspective in career decision-making: The mediating role of work hope*. In V. Ortuno & P. Cordeiro (Eds.), *International studies in time perspective* (pp. 183-191), Coimbra, Portugal: Coimbra University Press.
- Bernardo, A. B., & Estrellado, A. F. (2014). Measuring hope in the Philippines: Validating the short version of the Locus-of-Hope Scale in Filipino. *Social indicators research*, 119, 1649-1661.
- Bjork, J. M., & Pardini, D. A. (2015). Who are those "risk-taking adolescents"? Individual differences in developmental neuroimaging research. *Developmental cognitive neuroscience*, 11, 56-64.

- Brady, J., Iwamoto, D. K., Grivel, M., Kaya, A., & Clinton, L. (2016). A systematic review of the salient role of feminine norms on substance use among women. *Addictive behaviors*, 62, 83-90.
- Chambers, R. A., Bickel, W. K., & Potenza, M. N. (2007). A scale-free systems theory of motivation and addiction. *Neuroscience & biobehavioral reviews*, 31(7), 1017-1045.
- Clark, M. (2011). Conceptualizing addiction: How useful is the construct. *International journal all humanities and social science*, 1(13), 55-64.
- Fryling, M. J., Johnston, C., & Hayes, L. J. (2011). Understanding observational learning: An interbehavioral approach. *The Analysis of verbal behavior*, 27, 191-203.
- Gati, R. (2013). *Advances in career decision making*. New York and London: roulette.
- González-Valero, G., Zurita-Ortega, F., Ubago-Jiménez, J. L., & Puertas-Molero, P. (2020). Motivation, self-concept and discipline in young adolescents who practice rhythmic gymnastics. An intervention. *Children*, 7(9), 135-148.
- Heather, N., Best, D., Kawalek, A., Field, M., Lewis, M., Rotgers, F., & Heim, D. (2018). Challenging the brain disease model of addiction: European launch of the addiction theory network. *Addiction research & theory*, 26(4), 249-255.
- Hong, P. Y. P., Choi, S., & Polanin, J. R. (2014). A multisample confirmatory factor analysis of the Short Employment Hope Scale (EHS-14). *Journal of social service research*, 40(3), 339-352.
- Juntunen, C. L., & Wettersten, K. B. (2006). Work hope: Development and initial validation of a measure. *Journal of counseling psychology*, 53(1), 94-106.
- Kenny, M. E., Walsh-Blair, L. Y., Blustein, D. L., Bempechat, J., & Seltzer, J. (2010). Achievement motivation among urban adolescents: Work hope, autonomy support, and achievement-related beliefs. *Journal of vocational behavior*, 77(2), 205-212.
- Killen, M., & Arputhan, A. (2018). *Challenges in the operationalization of hope*. 12th international technology, education and development conference (pp. 7160-7165). Valencia, Spain.
- Kim, H. M. (2018). Relations among work hope, career attitude maturity, and career decision-making self-efficacy in Korean college students. *Journal of digital convergence*, 16(3), 497-504.
- Kirby, K., Sweeney, S., Armour, C., Goetzke, K., Dunne, M., Davidson, M., & Belfer, M. (2022). Developing Hopeful Minds: Can teaching Hope improve well-being and protective factors in children?. *Child care in practice*, 28(4), 504-521.
- Lent, R. W., & Brown, S. D. (2013). Social cognitive model of career self-management: toward a unifying view of adaptive career behavior across the life span. *Journal of counseling psychology*, 60(4), 557-568.

- Lent, R. W., & Brown, S. D. (2017). Social cognitive career theory in a diverse world: Guest editors' introduction. *Journal of career assessment*, 25(1), 3-5.
- Lin, X. S., Chen, Z. X., Ashford, S. J., Lee, C., & Qian, J. (2018). A self-consistency motivation analysis of employee reactions to job insecurity: The roles of organization-based self-esteem and proactive personality. *Journal of business research*, 92, 168-178.
- Lociopke, E. (2011). *Handbook of principles of organizational behavior: Indispensable knowledge for evidence-based management*. Britain: John Wiley & sons.
- Marx, R. G., Bombardier, C., Hogg-Johnson, S., & Wright, J. G. (1999). Clinimetric and psychometric strategies for development of a health measurement scale. *Journal of clinical epidemiology*, 52(2), 105-111.
- Metheny, J., & Mcwhirter, E. H. (2013). Contributions of social status and family support to college students' career decision self-efficacy and outcome expectations. *Journal of career assessment*, 21(3), 378-394.
- Niles, S. G. (2011). Career flow: a hope-centered model of career development. *Journal of Employment Counseling*, 48(4), 173-175.
- Nowak, M., Mierzwiak, R., & Butlewski, M. (2020). Occupational risk assessment with grey system theory. *Central european journal of operations research*, 28(2), 717-732.
- Pickard, H., & Ahmad, S. H. (2019). *The roulette handbook of philosophy and science of addiction*. Oxon UK: Rutledge press.
- Rehm, M. L., & Allison, B. N. (2009). Exploring spirituality of university FCS students: A resource for resiliency. *Journal of family and consumer sciences*, 101(4), 12-20.
- Rodrigues, R., Guest, D., & Budjanovcanin, A. (2013). From anchors to orientations: Towards a contemporary theory of career preferences. *Journal of Vocational Behavior*, 83(2), 142-152.
- Rogers, M. E., Creed, P. A., & Glendon, A. I. (2008). The role of personality in adolescent career planning and exploration: A social cognitive perspective. *Journal of vocational behavior*, 73(1), 132-142.
- Roney, C., & Soicher, H. M. (2022). Work and well-being: collective and individual self-concept, job commitment, citizenship behavior, and autonomy as predictors of overall life satisfaction. *The journal of social psychology*, 162(4), 423-434.
- Sani, A., & Maharani Ekowati, V. (2020). Spirituality at work and organizational commitment as moderating variables in relationship between Islamic spirituality and OCB IP and influence toward employee performance. *Journal of islamic marketing*, 11(6), 1777-1799.
- Savickas, M. L. (2012). Life design: A paradigm for career intervention in the 21st century. *Journal of counseling & development*, 90(1), 13-19.
- Sharma, G., Yukhymenko-Lescroart, M. A., & Scarton, C. (2021). Purpose and career development: Implications for career counseling and counselor

- education. *International journal for educational and vocational guidance*, 23, 481-497.
- Shek, D. T., & Ho, W. (2016). Spirituality as a key positive youth development construct for university students. *International journal on disability and human development*, 15(2), 175-180.
- Srisawat, C. H. (2015). *The needs of English communication skills of customer service Employees at a telecommunication company Thailand*. Unpublished Dissertation, Thames at University.
- Sterner, W. R. (2012). Integrating existentialism and Super's life-span, life-space approach. *The career development quarterly*, 60(2), 152-162.
- Stevenson, B. J., Millner, U. C., Satgunam, S. A., & Love, R. (2021). Hope, adaptability, and job-search intensity among individuals living with serious mental illness. *Journal of vocational rehabilitation*, 55(1), 73-79.
- Stipanovic, N., Stringfield, S., & Witherell, E. (2017). The influence of a career pathways model and career counseling on students' career and academic self-efficacy. *Peabody journal of education*, 92(2), 209-221.
- Suresh, K. P. (2011). An overview of randomization techniques: an unbiased assessment of outcome in clinical research. *Journal of human reproductive sciences*, 4(1), 8-11.
- Thompson, M. N., & Dahling, J. J. (2012). Perceived social status and learning experiences in social cognitive career theory. *Journal of vocational behavior*, 80(2), 351-361.
- West, R., & Brown, J. (2013). *Theory of addiction*. London: Blackwell.
- Wingate, J. A. (2020). *Work Hope and Work Volition: Exploring the Influence of Community College Students' Rurality and Socioeconomic Status*. Unpublished thesis, Virginia commonwealth university.
- Witkiewitz, K., & Marlatt, G. A. (2004). Relapse prevention for alcohol and drug problems. *American psychologist*, 59(4), 224-235.

